یادداشت

تهران به کجا می‌رود؟

گیتی اعتماد

● شـهر تهران سال‌هاسـت که به‌سختی نفس می‌کشد؛ از زمانی‌که شهرداری‌ها قرار شد خود کفا شوند و شهرداری تهران برای تأمین بودجه (حتی روزمره خود) به فروختن شهر تهران (بیش از نیاز شهر به این شهرفروشی) و ایجاد ساختمان‌ها (که هم‌اکنون بسیاری از آنها خالی‌اند) پرداخت.

بارها گفتـه‌ام زندگی در تهران ایـن روزها مانند زندگی در وسـط یک کارگاه ساختمانی است، آن‌هم به‌طور ۲۴ سـاعته بـدون لحظه‌ای وقفـه و بدون اندکی سکوت و آرامش. شب تا صبح شنیدن صدای خاکبـرداری یا بـردن آوار و آوردن مصالح و در روز صدای جرثقیل، ماشین‌های سنگ‌بری و دستگاه‌های موزائیک‌سـابی و غیره و از همـه بدتر کوبیدن‌ها به آهن و سـنگ و تخته و هرچه در بنا مصرف می‌شود و صدای ماشین‌آلات مختلفی که در ساختمان به‌کار می‌رود. به کجا می‌توان پناه برد؟ اگر کسـی نخواهد آخر هفتـه را با ایـن ترافیک جاده‌ای به شـمال یا حومه تهران برود (تازه مگر ساخت‌وسـاز در حومه وجود ندارد؟) و اگر کار و زندگی‌اش در تهران باشد؛ یعنی هم شـب و زمان اسـتراحت و هـم روز زمان کار در تهران به‌سـر ببرد، این به‌معنای کار و زندگی شبانه‌روزی در یک کارگاه ساختمانی است.

امـا موضوع بـه اینجا ختم نمی‌شـود؛ چون عبورومـرور در ایـن کارگاه (همـواره نیمه‌تمام) عذابـی الیم اسـت. به‌خصوص که در بسـیاری موارد سـر راه چند معبر فرعی، یا با جرثقیلی که در حال کار اسـت یا کامیونی کـه مصالح آورده یا خاک و آوارها را می‌برد، بسـته اسـت و باید در یک کوچه که دو طرف آن ماشـین پارک کرده‌اند با چه مشـقتی دور زد و به دنبال راه دیگری (اگر وجود داشته باشد) گشت تا به مقصد (حال خدا می‌داند با چه تأخیری) رسید.

آیا واقعا راهی نیسـت؟ آیا نمی‌توان به‌نحوی بودجه شـهر تهران را از جایی دیگر و با استفاده از تجـارب شـهرداری‌ها دنیا (حتی کشـورهای نظیر خودمان و نه لزوما اروپا و آمریکا) به‌دسـت آورد؟ یا آنکه این ساخت‌وسـازها چنان سودهای سرشـاری به تعدادی از شهروندان تهران ما (و یا خارج از کشور و یا بخشی از مدیریت شهر و غیره) می‌رسانند که چشم‌پوشی از آن را حتی به قیمت ازنفس‌افتـادن تهـران و به‌سوی‌جنون‌کشـاندن شهروندان، غیرممکن می‌کند.

تازمانی‌کـه مردم به حقوق خود آگاه نیسـتند و نمی‌خواهنـد برای مقاوم‌سـازی سـاختمان‌ها اقدامـی کنند (درحالی‌که مـا در ژاپن که همواره زلزله‌هـای حدود هفت ریشـتر می‌آیـد آثار این مقاوم‌سـازی را می‌بینیم) و به آنچه که بر اثر این ساخت‌وسازها بر سرشان می‌آید، تسلیم هستند.

هر چند که هوای آلـوده حاصل از این اقدامات (به‌خصـوص ترافیـک ناشـی از ایـن تراکـم و ساخت‌وسـاز برج‌ها در کوچه‌های هشـت‌متری و ۱۰متری و گاه کمتر) هم به یکسان (البته به‌استثنای بعضـی که با اسـتفاده از فیلترهـای گران‌قیمت و شاید هوای بهتر در آخرین طبقات برج‌ها یا ویلاهای حومه تا حـدودی در امان‌اند) ضـرر می‌بینند. اگر تهران را با شـهرهای معمولـی دنیا (چه در اروپا و آمریکا و چه در آسـیا) مقایسه کنیم، تفاوت فضای شـهری در این کلان‌شـهر را که امکانـات طبیعی و جغرافیایـی آن ماننـد سلسـله کوه‌هـای زیبای البـرز و رود دره‌های آن، می‌توانـد زندگی در آن را بسیارمطلوب و خوشایند کند، درمی‌یابیم.

ادامه در صفحه ۱۷

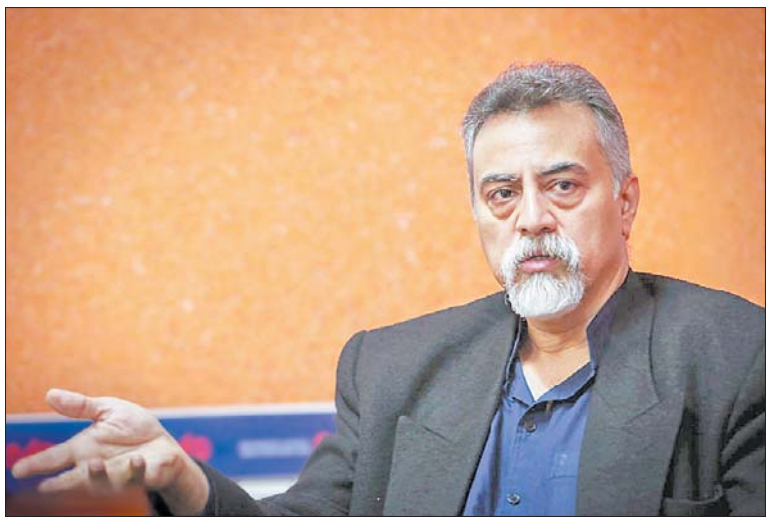

جامعه‌شناسی فساد از منظر سیدحسین العطاس

کلپتوکراسی

موضوع فسـاد از منظر جامعه‌شناسی فقط به فساد سیاسـی و اقتصادی اطلاق نمی‌شـود، بلکه فساد فرهنگـی و اجتماعی را هم دربرمی‌گیـرد و در واقع مفهومی کلی‌تر دارد. مرحوم پروفسـور سیدحسـین العطاس پدر سیدفرید العطاس، استاد جامعه‌شناسی دانشـگاه مالزی کتابی با عنوان جامعه‌شناسی فساد به نـگارش درآورده کـه اخیرا در کشـور مالزی به چاپ رسـیده اسـت. خبرگزاری مهر در سـفری که سیدفرید العطاس به ایران داشته است، با همکاری دکترسـیدجواد میـری دانشـیار پژوهشـگاه علوم انسـانی و مطالعات فرهنگی درباره این کتاب با وی گفت‌وگویی انجام داده است که در پی می‌آید:

پروفسور اگر امکان دارد در مورد کتاب پدرتان که به‌تازگی در مالزی با موضوع جامعه‌شناسـی فسـاد چاپ شده اسـت، صحبت کنیم. نظر شما درباره این کتاب چیست؟

از شـما به‌خاطـر فرصتی که در اختیـار من قرار دادید تـا در مورد اندیشـه‌های پدرم در باب فسـاد صحبت کنـم خیلی متشـکرم. فقط بـه چند نکته درباره آثار سیدحسـین العطاس در باب فساد بسنده می‌کنم، به‌ویژه کتاب حاضر. آن‌طورکه پدرم می‌گفت درواقع به‌طور کاملا تصادفی در سال ۱۹۵۲ در تهران بود که او برای اولین‌بار به موضوع فسـاد علاقه‌مند شد.

خیلی‌جالب است که وقتی در تهران بود و آن‌طور که به یاد دارم در ۱۹۵۲ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشـگاه آمسـتردام بود، به‌عنوان بخشی از تکالیف دانشگاهی باید مقداری کار میدانی در تهران و بغداد انجام می‌داد.

بنابراین چندهفته‌ای را در تهران بود و با محققان مختلف و چند عالم دینی نشسـت و گفت‌وگوهایی داشـت. فکـر کنـم در دوره مصدق بـود. آنچه او دراین‌باره می‌گوید جالب است، به‌ویژه برای مخاطب ایرانـی که من فقط نقل می‌کنم: «در ۱۹۵۲ در تهران بود که من برای اولین‌بار به تأثیرات فسـاد علاقه‌مند شـدم و در آن زمان فسـاد در ایران بیـداد می‌کرد. مأمـوران و کارمنـدان دولتی ماه‌ها بـود که حقوق نگرفته بودند و بـا این حال مقامات بالارتبه صاحب خانه و ماشـین‌های خوب بودند و در بیرون شهر به تفریح می‌پرداختند». وی متعاقبا به اندونزی می‌رود که می‌بیند به همین منوال فسـاد در آن غلبه دارد و به همین ترتیب تا آخر و در ادامه کتاب وی مثال‌هایی از فساد در اندونزی، پاکستان، هند و غیره می‌آورد.

کتاب فعلی «مسئله فسـاد» که ابتدا در دهه ۶۰ میلادی با عنوان جامعه‌شناسـی فساد در چارچوب دیگری منتشر شـده بود، چند سـال بعدتر، دقیق‌تر بگویـم در ۱۹۸۶ با ویرایش متفاوتی منتشـر شـد و آخرین ویرایش آن هم در سال گذشته چند سال پس از فوت پدرم بیرون آمد که انتشـار آخرش به همت خودم بود و مقدمه‌ای هم برای این ویرایش نوشتم.

بگذاریـد چند نکته در باب ایـن کتاب بگویم. این کتـاب به ذات، علل، عملکرد و پیشـگیری از فسـاد می‌پردازد. تعریف فسـاد در ایـن کتاب رجحان‌دادن اهداف شخصی به منافع جمعی است به‌طوری که روال انجـام وظایف و رفاه اجتماعی زیر پا گذاشـته شـوند؛ آن هم همراه با پنهـان‌کاری، خیانت، فریب و نادیده‌گرفتن ناجوانمردانه عواقب تلخشـان برای عموم.

بنابر این تعریف، فساد، تنها یک مشکل سیاسی یا اقتصادی نیست، بلکه یک مسئله اخلاقی است. من می‌خواهم مجددا تاکید کنم که نگاه پدرم به فسـاد تنها به منزله یک مسـئله سیاسـی و اقتصادی نبود. بلکه او فسـاد را یک نقصان در شـخصیت انسانی می‌دید. او فساد را به‌عنوان یک شیطان بزرگ می‌دید، تأکید می‌کنم نه یک مسئله سیاسی-اقتصادی، بلکه یک شیطان.

همچنیـن این کتـاب، درباره تعریف ذات فسـاد و علـل فسـاد بحـث می‌کنـد. فقط فهرسـت‌وار می‌گویـم و به جزئیات نمی‌پردازم. او علل را این‌طور می‌آورد؛ ضعف یـا نبود رهبـری و مناصب اصلی، ضعف آموزه‌های دینی و اخلاقی، اسـتعمار، ضعف آموزشی، فقر، نبود نظام مجازات مفسدین، نبود یک محیط منتهی به رفتارهای ضدفسـاد، ساختار دولت و قس‌علی‌هذا.

همان‌طور که گفتم کتاب به عملکرد فسـاد هم می‌پردازد، وارد جزئیات نمی‌شـوم ولی اساسا پدرم تأکید دارد فسـاد منجر به تاراج سـرمایه‌های کشور می‌شـود، ناکارآمدی می‌آورد، بی‌اعتمـادی به امور دیوانـی و اجرائـی مـی‌آورد و همین‌طور الـی آخر. حالا بحث جالب‌تر سـطوح فساد است که پدرم قائل به سـه سـطح بود؛ سـطح اول، سـطحی است که فساد هنوز محدود است، یعنی هنـوز بر یک گسـتره وسـیع از زندگی اثر نگذاشـته. بنابراین در سـطح اول فسـاد، هنوز ممکن است که افراد جامعه تماسی با مسـئولان فاسد نداشته باشند یا کمترین تماس را داشـته باشند، بدون اینکـه مجبور باشـند به مأموری رشـوه دهند یـا مورد اخاذی قرار گیرند.

پس می‌تـوان گفـت مردم بدون ارتکاب عملی مفسدانه به هر آنچه از دولـت می‌خواهند، می‌رسند، یعنی فساد در این سطح محدود به حلقه بالایی حاکمیت اسـت. اما سـطح دوم جایی است که فساد فراگیر می‌شود. فسـاد شایع و بر همه‌جا و همه‌کس حکم‌فرما می‌شود. کاری نیست در جامعه که بدون ارتکاب عمل مفسـدانه میسـر شـود. این سـطح برگرفته از یکی از کشورهای جنوب آسیاست که در اینجا ذکری از آن نشـده ولی بی‌هیچ تردیدی، آن کشور اندونزی است. این مثال برای شما ملموس می‌کند که مراد از سـطح دوم فسـاد که در آن فساد شایع و فراگیر است، چیست: «بلیت مسافرت هوایی و ریلی را در بازار سـیاه می‌فروشـند. همیشه تعداد مشخصی از بلیت‌ها قانونی فروخته می‌شوند و باقی در بازار سـیاه عرضه می‌شوند. ظرفیت بلیت هوایی همیشه تکمیل بود ولی کسانی که از بازار سیاه بلیت تهیه می‌کردند، متعجب می‌شـدند وقتی که سوار بر هواپیما می‌شـدند و صندلی‌های اطرافشان را خالی می‌دیدند. تلفن‌ها خودکار نبودند و همیشـه بایستی به اپراتورهای اتصال تلفن رشوه می‌دادید.

پدرم چندهفته‌ای را در تهران بود و با محققان مختلف و چند عالم دینی نشست و گفت‌وگوهایی داشت. فکر کنم در دوره مصدق بود. آنچه او دراین‌باره می‌گوید جالب است، به‌ویژه برای مخاطب ایرانی که من فقط نقل می‌کنم: «در ۱۹۵۲ در تهران بود که من برای اولین‌بار به تأثیرات فساد علاقه‌مند شدم و در آن زمان فساد در ایران بیداد می‌کرد. مأموران و کارمندان دولتی ماه‌ها بود که حقوق نگرفته بودند و با این حال مقامات بالارتبه صاحب خانه و ماشین‌های خوب بودند و در بیرون شهر به تفریح می‌پرداختند

پستچی حق ماهانه‌ای از شما با عنوان «بخشش» می‌گرفت. مسئول دفتر انعامش را از پیش می‌گرفت تا نامه را به دسـت رئیسش برسـاند. متصدی تمبر اداره پسـت هیچ‌وقت پول خرد نداشت تا بقیه پول شـما را بدهد و مضحکانه مدعی بـود مبالغ قیمت همه تمبرهایش درشت‌اند. کسی آزمون گواهی‌نامه رانندگی را بدون دادن شـیرینی به افسر پلیس، قبول نمی‌شد. هزاران خانه ازجمله خانه‌ای که من و پدرم در آن سکونت داشتیم، بایسـتی هزینه محافظت از امنیتشان را به یک گروه مخفی می‌دادند تا از حمله آنها یـا گروه رقیبشـان در امان باشـند. پلیـس هـم می‌گفت ربطی به من ندارد. آتش‌نشانی بـه همـه مـوارد اورژانسـی پاسـخ نمی‌داد. اگر انعام کافی نمی‌دادیـد رفتگـران زباله‌ها را به حـال خود رهـا می‌کردند. . حتی افراد همـکار در یک اداره بـه هـم رشـوه می‌دادنـد. در وزارت خارجه مسـئول متصدی اسـکان دیپلمات‌هـای تـازه ازخارج‌برگشـته، از آنهایـی که دستشان به‌جایی بند نبود، رشوه طلب می‌کرد» و قس‌علی‌هذا.

آنچـه ایـن تصویـر نشـان می‌دهـد، این اسـت کـه همه افراد جامعه از بالا تا پایین، برای داشـتن یک زندگی طبیعی باید به نحوی مرتکب عمل مفسـدانه شـوند. این سطح دوم از فسـاد بود. تازه سـطح سوم فسـاد جالب‌تر اسـت. این سـطح جایی اسـت که در آن فسـاد با تخریب تاروپود جامعه، به‌خود تخریبی جامعه منجر می‌شود. من فکر می‌کنم تشخیص و ادراک این سطح سـخت‌تر باشـد. به این دلیل که ما باید از قبل آن را دیده باشیم یا درک کرده باشیم. می‌توانیم حالتی که فساد شـایع و فراگیر است را درک کنیم ولی پرسش این است که آیا این فساد، جامعه را تخریب می‌کند؟

شـاید همین‌جا باشـد که پیوند جالب فسـاد با جنبـش اجتماعـی مطرح می‌شـود. تا چـه میزان تسلط فسـاد بر جامعه منتهی به واژگونی یک رژیم می‌شود؛ حالا چه کودتا باشد چه به شکل‌های دیگر.

به‌هرحـال، این مرتبط با سـطوح فسـاد در جامعه است. دوست دارم این نکته را اضافه کنم و رسانه‌ها هـم به این توجه کنند که سـطح دوم که گفتیم، در آن فسـاد همه‌گیر و شـایع اسـت و همچنین در آن فساد، ابزار اصلی کاسـبی دولت است را می‌توان با کلپتوکراسی (دُزدسالاری یا مدیریت دزدها) شناخت.

این گونه‌ای اسـت که در آن فسـاد ابـزار اصلی اکتساب سرمایه محسوب می‌شود و من فکر می‌کنم با فارسـی کمی که من می‌دانـم و بحثی که پیش‌تر با دوستم سـیدجواد میری و آقای خادم داشتم و با کمکی که دخترم از فرهنگ لغات گرفت، می‌شود آن را «دزدسالاری» نامید.

بنابرایـن من فکـر می‌کنم باید برایـن نکته تأکید کنیم که سـاختار حاکمیت، چه مردم‌سـالاری و چه اسـتبدادی، می‌تواند به‌شدت از فسـاد تأثیر یا شکل بگیرد به نحوی که ما در اشـاره بـه این نوع خاص از حکومـت ملزم به اسـتفاده از اصطلاح حکومت کلپتوکراتیک بشویم، یعنی حکومتی که در آن روش اصلی و غالب اکتسـاب سـرمایه از طریق ابزار فساد اسـت: به‌عبارت صریـح، فرمانروایی دزدهاسـت و دسـت آخر اجازه بدهید این را اضافه کنم که در اثر خـودش، پدرم بحثی از کلپتوکراسـی نمی‌کند و من در مقدمـه‌ای که بر ویرایش جدید کتاب نوشـته‌ام، معنی کلپتوکراسـی یا نظام کلپتوکراتیک را بحث و تبیین کرده‌ام.

حـالا به ایـن می‌پردازیم که قبل‌تـر گفتیم پدرم درباره پیشـگیری از فسـاد نیز بحث می‌کند و خوب اسـت گام‌هایی را که او فکر می‌کرد باید یک جامعه بـردارد ذکر کنم. او می‌گفت: ما باید با شـرایطی که فساد را تقلیل می‌دهد آشنا باشیم؛

الف- احسـاس تعلق مثبت به دولت و درگیری معنوی با وظیفه ملی پیشرفت از سوی عموم مردم و دیوانی‌ها.

ب- نظـام اجرائـی کارآمد و تصحیح مناسـب سـاختار سـازوکار و قوانیـن دولتـی به‌نحوی‌که از به‌وجودآمدن منابع فساد جلوگیری کند.

پ- شرایط تاریخی و جامعه‌شناسانه مطلوب.

ت- دایربودن یک نظام ارزشی ضدفساد.

ث- رهبری الهام‌بخش یک گروه با استانداردهای فکری و اخلاقی بالا.

ج- ملتی فهیم و باسـواد کـه خودآگاهی‌بخش باشند و جریان امور را دنبال کنند.

بـاز هم می‌گویـم اینها بـرای دادن یـک تصویر کلی از گام‌های کاهش فسـادی است که باید توسط دولت و جامعه برداشـته شـوند. این را هم دوست دارم بگویم آن فسـادی که پدرم و یا بسیاری دیگر از محققان اشـاره می‌کنند یک معضل قدیمی است و یک مشـکل مختص به دنیای مدرن نیست. فساد یک جرم است در عین اینکه یک مسئله اخلاقی هم است و از گذشـته در طول تاریخ توسط جوامع مختلف از سـنت‌ها و تمدن‌های متفاوت شناسایی شده است و صدالبتـه ما به‌عنوان مسـلمین علاقه‌مندیم رویکرد دانشـمندان و امـرای جامعـه اسـلامی را دربـاره فسـاد بدانیم. در میان نمونه‌های موردبررسـی پدرم حقوق‌دانان مسـلمی مثل احمدبن‌حنبل و ابوحنیفه هسـتند، در کنار امرای اولیه جامعه اسـلامی که من فکر کنـم یکـی از نمونه‌ها که خیلی‌جالـب بود در مورد امام علی(ع) باشـد. روایت به این شکل است که امام علـی هیأتی از ایران را به مهمانی پذیرفت و آنها هدایایی برای امام آورده بودند. امام علی(ع) به آنها گفت شـما پیش‌تر مالیات خود را پرداختید و من تمایلی به پذیرفتن هدایای شـما ندارم. یعنی چیزی بالاتر و بیشتر از مالیات قانونی از کسی طلب نمی‌کرد.

ادامه در صفحه ۱۷

نگاه

به مناسبت روز جهانی مبارزه با موادمخدر

نگاهی به وضعیت اعتیاد و مبارزه با آن در گیلان

احمد زاهدی

● براساس گزارشی که رئیس کل دادگستری گیلان از جرائم این اسـتان در ۱۰ سـال اخیر داده، بیشترین میـزان جرائم مربوط به موادمخدر اسـت که نه‌تنها در اسـتان گیلان، بلکه در کل کشور بیشترین فراوانی را دارد و بر همین اسـاس ۵۰ درصـد از زندانیان در سراسـر کشور نیز زندانیان موادمخدر هستند. از دیگر سـو، تنها در ۲۳۶ مرکز درمانی استان گیلان، بیش از ۳۰ هـزار معتاد به موادمخدر در حال ترک هسـتند. دبیر شـورای هماهنگی مبارزه بـا موادمخدر گیلان به‌تازگی گفـت: از جمعیت دو میلیـون و ۸۰۰ هزار نفری گیـلان، ۷۰ هزار نفر معتاد هسـتند. آماری که به‌هیچ‌وجه قابل اتکا نیست و در بهترین حالت شامل اقلیتی از مراجعان ثبت‌نام‌شده در مراکز دولتی برای درمان است و رقم واقعی بسیار بیشتر از این و نشانگر بحرانی جدی است.

سـخنان رئیس کل دادگسـتری گیلان در کمیته حقوق قضائی مبارزه با موادمخدر اسـتان، که برای راه‌اندازی اردوگاه نگهداری معتادان در مرکز استان از استانداری و شهرداری رشت (همان شهرداری رشت که استشمام بوی موادمخدر از داخل مهمانسرایش موجب تعجب نایب‌رئیس شـورای اسلامی آن شده بود) مدد می‌جوید و همچنین اسـتاندار گیلان که از تقاضای تخصیص ۸۰ میلیارد ریال اعتبار برای خرید دسـتگاه‌های پیشـرفته کنترلی برای خرید امکانات مدرن، برای مبارزه با قاچاق موادمخدر وعده می‌دهد در حالی که می‌داند ایجاد فرصت‌های شـغلی تنها راه مبارزه با اعتیاد است - و این بودجه‌های میلیاردی تا از حرف به عمل تبدیل شـود، در مناسبات ناسالم اداری، آب رفته و عملا ناکارآمد می‌شوند- به‌وضوح حاکـی از ناتوانـی و بی‌برنامگـی در مواجهه با این معضل اجتماعی است.

تهدیـدات قضائی و اعمـال مجازات‌هایی چون اعدام و حبس ابد هم در سـال‌های گذشته موفق به کنترل و کاستن از رواج اعتیاد و قاچاق موادمخدر در جامعه نشده‌اند.

به‌گفته مقامات انتظامی استان گیلان، موادمخدر اولین منبع درآمدزایی غیرمشروع است. پس طبیعی اسـت در جامعه‌ای که با بحران بیـکاری روزافزون و فقـر مواجـه اسـت، گرایـش به خریـد و فروش موادمخـدر - که به همان دلایل تقاضایش هم‌رو به افزایش است- وجود داشته باشد.

براسـاس آمـار پلیـس اسـتان گیـلان، میزان دسـتگیری‌ها در رابطه بـا موادمخدر در سـال ۹۳ نسـبت به سـال قبل با افزایـش ۹۱ درصدی همراه بوده، یعنی چیـزی حدود دوبرابر [کـه البته از آمار سـه‌ماهه نخست امسـال هنوز خبری منتشر نشده] ایـن حاکی از رشـد بیش از تصور خریـد و فروش و مصرف موادمخدر در استان اسـت. در حالی که ۶۱ درصد دستگیرشدگان موادمخدر استان، در گروه سنی ۲۵ تا ۴۵سـاله هستند. کاهش سـن اعتیاد در گیلان نگران‌کننده است.

از ایـن قبیل آمـار و ارقام‌هـا نگران‌کننده‌تر [که متأسفانه این‌روزها فراوان است] پیشنهادهایی برای مبارزه بـا اعتیاد، خاصه در آسـتانه پنجـم تیر (۲۶ ژوئن) روز جهانی مبارزه با موادمخدر، از رسـانه‌ها و دهان و زبان مسئولان اسـت، راهکارهایی ناکارآمد، نخ‌نما و بی‌فایـده و خطاهای آزموده فـراوان! بیان می‌شـود که فقط به درد پرکردن سـتون بولتن‌های روابط‌عمومی‌ها می‌خورد... .

جدول ۲۲۹۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- عنکبوت- نشانه تصویری سه‌بعدی که با تکنولوژی لیـزر به صورت برچسـب تولید می‌شـود ۲- فوری- ترک‌بنـد- ترجمه فیلم خارجـی ۳- هنر نمایش روی صحنه- نیکوروی- خواب خوش ۴- منطقه سردسـیر قطب شـمال- گل ته حوض- گاه از پا درازتر می‌شود! ۵- علـم الابـدان- پاییـن کـوه- رودی در آلمان ۶- قطعی برای کتاب- از پهلوانان ایرانی شاهنامه- من و شما ۷- خیزابه- سرپیچی‌کردن- هموزن ۸- رستنی- کوچه یک‌طرفه- امیدوارکردن ۹- بزرگ و مهتر- لگام، افسـار- قتلگاه امیرکبیر ۱۰- حیـوان گوش مخملی- دندان چنین اسـبی را نمی‌شـمارند!- قسـمت نرم و بدون استخوان گوشت گوسفند ۱۱- نویسنده فرانسوی کتاب «قـرارداد اجتماعی»- تار بافتن عنکبوت- حرف ندا ۱۲- ناپدید کردن- لباس آخرت- جشـنی در ایران قدیم ۱۳- زمان آغازین- مسابقه اتومبیل‌رانی- به بچه کنجکاو و پرتحرک گویند ۱۴- دایره‌المعارف فرانسوی- تنظیم‌کردن با در نظر داشـتن حالت مطلوب- معبود ۱۵- پایتخت زلاندنو- تغییر عقیده‌دادن.

عمودی:

۱- برنـج شوشـتری- رمانـی از زویا پیـرزاد، بانوی نویسـنده معاصر ایرانی ۲- دندان‌های نیش- تمایل زن بـاردار بـه برخی خوراکی‌ها- مجاز شـرعی ۳- واحد پول کشـورمان- مردان عرب- زنان بر سر کنند ۴- ادب آموختـن- سـگ کودکانـه- گلخن حمام ۵- واحـد زمانی صنعتی برای سـنجش هزینه‌ها و دسـتمزدها- احتمال خطر- نگهبـان گله ۶- نوعی بالاپـوش- نـادر- راننـده خـودرو ۷- روح- از آتش افروزان- فریب ۸- متحیر- اثری منظوم از امیر خسرو دهلوی که به تقلید از هفت پیکر نظامی سروده است- ظرف لباسشـویی ۹- مدافع موکل- خبرگزاری رسمی ایتالیا- بهره‌مند و کامیاب ۱۰- از سـازهای زخمه‌ای- امضای حکم مسـئولیت- تکرار حرفی ۱۱- دوسـتی- بیهوده و بی‌معنـی- گازی بی‌رنگ و قابل انفجار ۱۲- قبر- نمایشنامه‌ای از فدریکو گارسیا لورکا- ترمز کشتی ۱۳- دزدیـدن- از واکنش‌های دفاعی بـدن- ره آورد زلزله ۱۴- مسـافر سـرزمین عجایب- رهایی بخش- درخشندگی ۱۵- رهبر فقید هند که او را به‌عنوان «پدر هندوستان» می‌شناسند - غار.

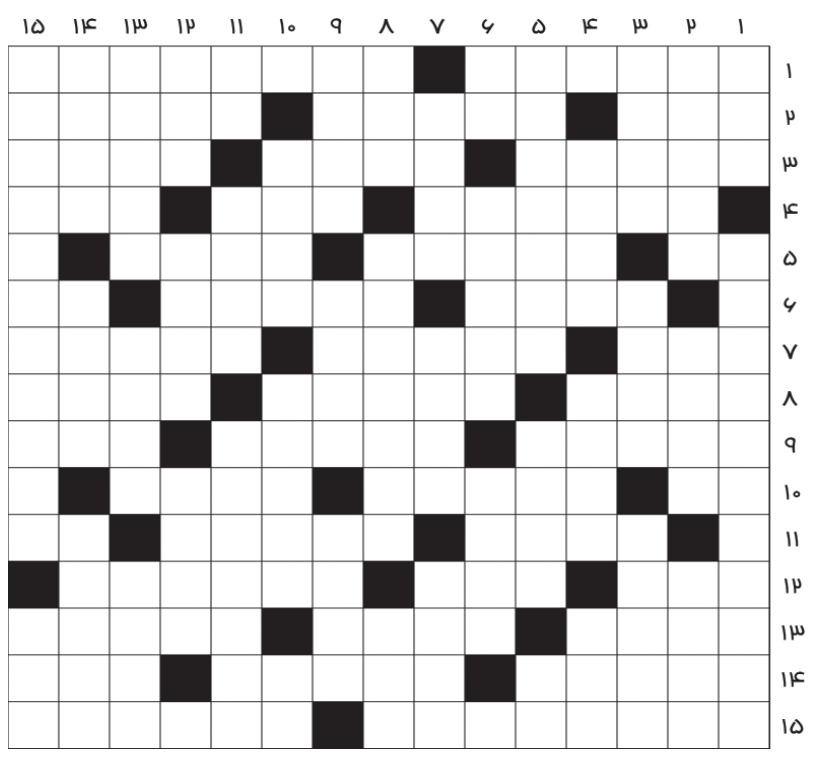

حل سودوکو سخت

۴	۳	۵	۲	۸	۹	۱	۶	۷
۷	۲	۹	۱	۵	۶	۴	۳	۸
۱	۶	۸	۳	۷	۴	۵	۹	۲
۵	۴	۱	۷	۶	۳	۲	۸	۹
۹	۸	۶	۴	۲	۱	۳	۷	۵
۲	۷	۳	۸	۹	۵	۶	۴	۱
۳	۱	۲	۹	۴	۸	۷	۵	۶
۸	۵	۷	۶	۳	۲	۹	۱	۴
۶	۹	۴	۵	۱	۷	۸	۲	۳

حل سودوکو ۱۲۸۹

۹	۲	۴	۵	۷	۶	۱	۸	۳
۶	۱	۵	۳	۸	۴	۲	۷	۹
۳	۸	۷	۱	۲	۹	۵	۴	۶
۴	۹	۱	۷	۵	۲	۳	۶	۸
۷	۵	۳	۶	۹	۸	۴	۱	۲
۸	۶	۲	۴	۱	۳	۷	۹	۵
۲	۳	۹	۸	۴	۱	۶	۵	۷
۵	۴	۶	۹	۳	۷	۸	۲	۱
۱	۷	۸	۲	۶	۵	۹	۳	۴

جدول ۲۲۹۲

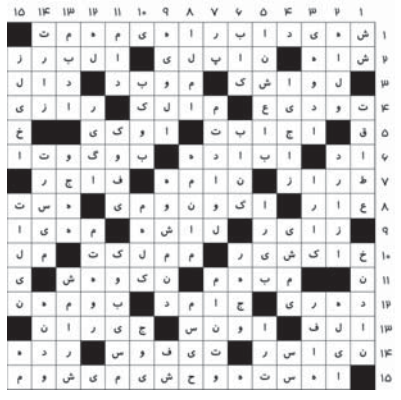

سودوکو سخت ۱۲۹۰

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۶			۸			۱		
		۲		۴	۵			۷
						۵	۲	۸
۷	۹		۳					
			۴	۲	۱			
		۸		۶		۳	۵	
	۸	۳		۱			۷	
۹					۶		۴	
			۹		۷		۱	

سودوکو ۱۲۹۰

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۱		۹	۸	۷		۲	
		۲		۵	۴			
		۵	۲	۶		۹		
	۴	۸	۷	۹	۲			۳
	۳		۴	۱		۸		
	۲	۱	۶		۸			
	۹		۱		۳		۵	۶
۱	۵			۲		۷		۹
	۶	۳		۷	۹			